

واژه گردی

ناصر اسلامی

جلد شانزدهم

لغت ۵۶۰۵ - ۶۲۵۰

صبا، صابا، صابئا، صابه، صابئن - سیتول

شامل بیش از هفت هزار واژه های اروپایی

مصطلح در زبان فارسی

با ریشه یابی آنها تا مبدأ هند و آریایی

و رابطه آنها با لغات فارسی

سرشناسه	: ناصر اسلامی، حسین، ۱۳۱۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: واژه‌گردی ناصر اسلامی: شامل بیش از هفت هزار واژه‌های اروپایی مصطلح در زبان فارسی با ریشه‌یابی آنها ... / گردآورنده حسین ناصر اسلامی.
مشخصات نشر	: تهران: شعاع، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۹ ج.
شابک	: دوره: 978-964-5901-60-6 : ج. ۱: 978-964-5901-79-8 : ج. ۲: 978-964-5901-61-3 : ج. ۳: 978-964-5901-62-0 : ج. ۴: 978-964-5901-63-7 : ج. ۵: 978-964-5901-64-4 : ج. ۶: 978-964-5901-65-1 : ج. ۷: 978-964-5901-66-8 : ج. ۸: 978-964-5901-67-5 : ج. ۹: 978-964-5901-68-2 : ج. ۱۰: 978-964-5901-69-9 : ج. ۱۱: 978-964-5901-70-5 : ج. ۱۲: 978-964-5901-71-2 : ج. ۱۳: 978-964-5901-72-9 : ج. ۱۴: 978-964-5901-73-6 : ج. ۱۵: 978-964-5901-74-3 : ج. ۱۶: 978-964-5901-75-0 : ج. ۱۷: 978-964-5901-76-7 : ج. ۱۸: 978-964-5901-77-4 : ج. ۱۹: 978-964-5901-78-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر در سال ۱۳۸۸ با عنوان "فرهنگ واژه‌گردی ناصر اسلامی" توسط سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل فیبا گرفته است.
یادداشت	: ج. ۲- ۱۹ (چاپ اول: ۱۳۸۹) (فیبا).
عنوان دیگر	: فرهنگ واژه‌گردی ناصر اسلامی.
موضوع	: واژه‌نامه‌های چند زبانه
موضوع	: زبان - اصطلاح‌ها و واژه‌ها
موضوع	: زبان - ریشه‌شناسی
موضوع	: فارسی - واژه‌ها و ترکیبات خارجی
موضوع	: فارسی - ریشه‌شناسی - واژه‌نامه‌ها
موضوع	: زبان‌شناسی تطبیقی
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹/۳۶۱۲/۲۵۳۰
رده بندی دیویی	: ۴۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۹۰۲۰۲



انتشارات شعاع

تلفن: ۳۳۱۱۱۴۸۴ - ۹۱۲۱۰۳۲۷۷۸

نام کتاب: واژه گردی ناصر اسلامی

مؤلف: دکتر حسین ناصر اسلامی

ناشر: انتشارات شعاع

نوبت چاپ: اول پاییز ۱۳۹۱

چاپ و صحافی: کوروش

لینتوگرافی: سبز گرافیک

شابک دوره: ۶-۶۰-۵۹۰۱-۹۶۴-۹۷۸

شابک: ۷۵-۵۹۰۱-۹۶۴-۹۷۸

تیراژ: ۱۰۰

قیمت یک دوره نوزده جلدی: ۵۰۰۰۰۰ تومان

البته این کتاب، تنها یک کتاب اتیمولوژی و فقط یک راهنمای لغت شناسی نیست، بلکه سعی بر آن بوده است تا ضمن تجسس و تحقیق در ریشه لغات، به معانی مصطلح، معانی ابتدایی و نهانی، مفاهیم مجازی و نیز معانی تحت الفظی اشاره شود، از این روی هم سهمی از کتاب لغت یا لکزیکن و نیز سهمی از کتاب دایره المعارف یا آنسیکلوپدی در آن نهفته است. بدین جهت نام این مجموعه اتیمولوژی نیست، لغت نامه یا لکزیون هم نیست، نام دایره المعارف یا آنسیکلوپدی نیز بر آن نمی توان نهاد، بلکه کار تازه ای است که نام تازه ای می طلبد و ما، نام واژه گردی بر آن نهاده ایم که عبارت است از جستجو، یافتن، آشنایی، گردش، مسافرت و بالاخره دوره گردی با واژه و همراه واژه.

از این رو سخت امید دارم که این مجموعه بتواند مورد استفاده افراد مختلف در موقعیت های گوناگون قرار گیرد و سهمی در خور بهره وری طیف های مختلف، از جمله دانش آموزان، دانشجویان، فارغ التحصیلان و عفاان دانشگاهی و غیردانشگاهی برای خود بیابد. همچنین قابل استفاده و آماده سازی برای تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد و نقش خود را در ارتقاء سطح دانش عمومی، به ویژه لغت شناسی ایفا کند.

البته یقین دارم که این اثر نقش بسزایی در آسان کردن فراگیری زبانهای اروپایی رمانی و آنگلوساکسون و نیز زبانهای علمی، همچون لاتین و یونانی ایفا خواهد نمود، همچنان که رابطه معانی بسیاری از واژه های فارسی را با یکدیگر روشن خواهد ساخت.

کسانی که نسبت به ریشه شناسی لغات آگاهی دارند، به خوبی می دانند، که برای تالیف یک کتاب ریشه شناسی سالیان متمادی، وقت و فرصت لازم است. این مجموعه با این وسعت از این قاعده مستثنی نبود، به گونه ای که هنگام سپردن مراحل اولیه این تفحص و تحقیق خود را در دریای بی کرانه ای غوطه ور دیدم که ساحل آن ناپیدا می نمود. در نخستین جلد، که به تحلیل و تجزیه و ترکیب و به قول یکی از دوستان اهل فن به تشریح و جراحی تنها سیمد واژه پرداختم، مجلدی چنین حجیم فراهم آمد. از آنجا که مجموعه این تحقیق و بررسی، تعداد واژه هایی را بالغ بر هفت هزار در بر می گیرد، پیش بینی بیش از هیجده جلد را اجتناب ناپذیر می کند که امید بر آن می برم تا با کمک و همکاری دوستان اهل فرهنگ و مسئولان نشر علم و ادب، این کار میسر گردد. بدیهی است با پیشرفت علم و صنعت و تکنیک جدید و پیدایش رشته های جدید علمی و حیطه های نوین دانشی، لغات و واژه ها نیز نو به نو متولد می شوند به طوری که باید همواره به دنبال واژه های جدید دوید. در پایان تنظیم این مجموعه، واژه های جدیدی متولد شده بودند- و یا در حال تولد بودند- که طبعاً در این کتاب بررسی نشده اند. در عین حال، چون در این اثر، سعی بر آن بوده است تا لغات از روی ریشه و پیدایش و حلقه ارتباطی آنها فهمیده شوند، با اندکی غور و دقت و قدرت تصور می توان از شرح لغات قدیم و تفکر در ریشه واژه های خویشاوند، به معنی لغات جدید و نوزاد نیز پی برد و حتی این کار می تواند بخشی از علاقه و تفریح دوستان این حیطه را پر کنند و هر کس تا اندازه ای می تواند ذوق و حتی علاقه و تفنن در لغت شناسی پیدا کند.

حلقه ارتباطی وزنجیره ای بسیاری از لغات اروپائی مصطلح در ایران، یامفقود شده و یا به گونه ای به طور ناقص و بریده بریده و در بسیاری از کتب فقط بطور حدس و گمان و نامعلوم ذکر شده است. این حلقه مفقوده و یا اطلاعات ناقص و ارتباط مخدوش میان لغات فارسی با زبان های اروپائی موجب شد که بستن این حلقه و تکمیل آن، زمان درازی را به خود اختصاص دهد.

هر گروه از لغات بیگانه و واژه های خارجی رایج در زبانهای مختلف، منشأ و زادگاه خاص دارند و می باید ریشه آنها در همان زبان جستجو شود مثلاً واژه های مربوط به موسیقی و بانکداری بیشتر از زبان ایتالیائی گرفته شده اند، مانند آجیو *gio*، آداجیو *adagio*، آجیوتاژ *agiotage* آندانت *andante*، آلتو *alto*، آلگرو *allegro*، اپرا *opera*، دو ر می فا سو لا سی، *do re mi fa so la si* و بانکروت *banqueroute* و غیره. اصطلاحات سیاسی اکثراً از زبان فرانسه گرفته شده اند مثل: پلیتیک *politique*، دیپلمات *diplomate*، دیپلماتیک *diplomatique*، کوردیپلماتیک *corps diplomatique*، آتاش *attaché*، کابینه *cabinet*، بورژوا *bourgeois*، بورژوازی *bourgeoisie*، کودتا *coup d'état* و غیره.

بسیاری از لغات رایج مربوط به اتومبیل در ایران از زبان روسی برآمده اند مثل: ترمز *to mo*، باک *bak*، بکسل *buksir*، زاپاس *sapas*، برزنت *brezent* و غیره.

لغات اساطیری بیشتر از یونانی گرفته شده اند. لغات جدید تکنیک، کامپیوتر و مربوط به تکنیک دیجیتال اکثراً از زبان انگلیسی وارد زبان فارسی شده اند ولی ارتباط همه این لغات را با زبان فارسی قدیم و جدید می توان با پشتکار و بررسی پیدا کرد، که این کار وظیفه اصلی این مجموعه بود.

لغاتی بنام واژه های انترناسیونال وجود دارند که در همه کشورها با معنی و تلفظ یکنواخت به کار برده می شوند. در اکثر کشورها لغات بومی یا ناسیونال برای جایگزینی آنها وجود ندارد. از آن جمله می توان به لغاتی مانند: سیگار، تلفن، رادیو، سیستم، سینما، تآتر، موزیک، الکتریک، دکتر، اتومبیل و مانند آن اشاره کرد. با افزایش روز به روز ارتباط کشورها با یکدیگر و وسائل ارتباطی جمعی و تکنیک و تکنیک دیجیتال روز به روز بر تعداد این لغات انترناسیونال افزوده می گردد.

هدف مجموعه حاضر، در وهله اول بررسی لغاتی است که از زبان های اروپائی وارد زبان فارسی شده و در این زبان مصطلح گشته اند. در عین حال چون زبان فارسی از خانواده زبان های هندواروپائی و هندوآریائی است، در حین جستجو و بررسی تقریباً به کلیه لغات و واژه های زبان های اروپائی بر خورد می کنیم.

پس از اندکی بررسی بزودی درمی یابیم که واژه های خارجی اروپائی وارده در زبان فارسی اکثراً نمونه خاص واژه های خارجی هستند و غیر از زبان فارسی در بیشتر زبان های دیگر نیز به شکل واژه های خارجی وارداتی مصطلح شده اند.

در اینجا لازم به ذکر است که واژه های عربی وارد شده در زبان فارسی بحثی جداگانه است. زبان عربی از خانواده زبان های

هندوآریائی و هندواروپائی نیست و در اینجا نیز مورد بررسی ما نمی باشد. زبان عربی از خانواده زبان سامی و حامی است که در کشورهای عربی زبان، مصر و شمال آفریقا و در کشورهای عربی زبان و دز میان اقوام یهود تکلم می شود.

با وجود آنکه زبان فارسی تا حد زیادی تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته و حتی میتوان از اختلاط این دو با یکدیگر سخن به میان آورد، ولی از لحاظ ریشه و پیدایش هیچ نوع خویشاوندی باهم ندارند. زبان فارسی با زبان های لاتین، یونانی، انگلیسی، فرانسه، ایتالیائی، آلمانی، روسی و اسپانیائی و باین ترتیب حتی با زبان های لاتین جنوب آمریکا خویشاوندی بیشتری دارد تا با زبان کشورهای همسایه ایران مانند زبان های عربی و ترکی. از این رو و به جهت خویشاوندی نزدیک پس از ریشه یابی برای فارسی زبانان درک زبان های لاتین و اروپائی آسانتر است تا درک زبان عربی که از خانواده زبان های عربی و سامی و آرامی و آشوری و کلدی و فنیقی و سریانی است.

بررسی در این مورد یعنی در مورد لغات عربی رایج در زبان فارسی باید به اهل تخصص در این فن و صاحب نظران زبان عربی واگذار شود. ما در اینجا فقط به بررسی واژه های خارجی غیر عربی می پردازیم که وارد زبان فارسی شده اند، و واژه های اروپائی وارده در زبان فارسی را در قالب خویشاوندی خانوادگی آن ها یعنی در چهارچوب زبان های هندواروپائی بررسی خواهیم کرد.

خویشاوندان خانواده زبانهای هندوآریائی و هندواروپائی بطور کلی و مختصر عبارتند از: ایرانی، هندی، سانسکریت، ارمنی، آلبانیایی، انگلیسی، آلمانی، اسپانیائی، ایتالیائی، اسلاوی از جمله بلغاری، صربی، کروآسی، چک، لهستانی، روسی، زبان کشورهای بالتیک، و زبان کشورهای اسکاندیناوی (غیر از زبان فنلاندی که خویشاوند با زبان مجاری و ترکی است). زبان های ترکی، مجاری، فنلاندی و مغولی از خانواده زبان آلتائی هستند.

تفحص خود را با لغات فارسی آغاز می کنیم و پس از چند دیدار دوره باخویشاوندان این خانواده بزرگ، ریشه یابی آنرا تا ریشه هندوآریائی و هندواروپائی ادامه می دهیم و دوباره به زبان فارسی قدیم و از آنجا به زبان های امروزی این خانواده هندواروپائی مانند فرانسه، انگلیسی، آلمانی، اسپانیائی، ایتالیائی و روسی باز می گردیم. رابطه و خویشاوندی آن ها را بایکدیگر باز بررسی می کنیم. در ضمن این بررسی گاه به لغاتی از خانواده های غیر هندواروپائی مانند عربی، ترکی، ژاپنی و چینی، و زبان سرخپوستان بومی آمریکای جنوبی نیز برخورد می کنیم که بررسی این واژه ها فقط به صورتی مختصر و گذرا انجام و یادآوری خواهد شد.

از زبانهای عربی و عربی تنها لغاتی بررسی میشوند که به عنوان لغت خارجی در کلیه زبانهای اروپائی امروز متداول شده اند مثل: آلامبیک *alambique* (انبیق، الانبیق)، *alkali*، *alkaloid* (قلیائی، القلیائی)، ابلمسک *abelmosk* (حب المشک)، ادمیرال، امیرال *admiral* (امیرالبحر)، آرتیشوک *artichoke*، الشیمی *alchemy* (الکیمیا)، الکل *alcohol* (الکحل)، جیر، الگبرا *algebra* (الجبر)، آلیزارین *alizarin* (العصاره)، آمالگام *amalgam* (الملغم)،

آنیلین aniline (النیلی)، azimuth (السموت)، الیکسیر elixir (العصاره)،
رآلگار realgar (رهج الغار) و مثل لغات سیروپ sirup (شربت)، سوفافا sofa
(صفا)، بنزین benzine (بنجاوی)، گالا gala (خلعت)، حشیش hashish، شیفرف ciphre
(صفر)، کافه café، جوپ jupe (جبه)، مازوت mazout و غیره.

از خانواده کشورهای آسیای دور مثل چین و ژاپن لغاتی مانند:
چای، تی tea، کائولین kaolin، بونسائی bonsai، گیشا geisha، هاراکیری
harakiri، جودو judo، کاراته karate، کیمونو kimono، گینگو gingko، گینزنگ
ginseng و غیره بررسی خواهند شد.

از زبان سرخپوستان آمریکای جنوبی به واژه هایی مانند: آلپاکا
alpaca، شنین quinin، کاکائو cacao، لاما lama، آکاژو acajou، کورار
curare، کوکا coca، کولا cola، کوکائین cocaine، کانوچوک caoutchuc، پوما
puma، شکلات chocolat، تنباکو، تاباک tobacco، تومات tomate و غیره بر
خورد می کنیم.

در این مجموعه سعی بر آن بوده است تا همراه خواننده و همپای لغت،
یک دوره مسافرت کامل بسوی پیدایش و ریشه لغت انجام پذیرد و از
آنجا، از طریق ریشه هندواریائی یا هندواروپائی و از راه لغات
قدیم فارسی به زبان های اروپائی امروزی بازگردیم و رابطه آن ها
را با لغات فارسی و زبان های دیگر بررسی کنیم.

برای آسانی کار خواننده، سعی شده است که حتی المقدور به صفحات و
مجلدات دیگر این کتاب و یا به کتابهای دیگر ارجاع داده نشود و با
این کار در حداقل ممکن صورت گیرد. از این رو برای هر واژه
پرونده ای جداگانه تشکیل شده و بحث و تشریح هر لغت به طور کامل
در همان پرونده و همانجا انجام می شود و پرونده آن در همانجا بسته
می گردد.

چنانچه در پاره ای موارد تجزیه و تحلیل یک پیشوند یا پسوند یا
نکاتی دیگر دوباره و سه باره و چند باره تکرار هایی صورت
گرفته، به این منظور بوده است که خواننده را از ارجاع به مواضع
دیگر و گسستن رشته فکر او باز داریم تا بتواند بدون مراجعه به
مراجع دیگر، همراهی خود را در این سفر به زادگاه و تغیر صورت لغت
بدون مزاحمت ادامه دهد و از دنباله گیری مطلب منحرف نگردد.
با این روش فرا گیری و آشنایی با واژه های یک زبان، به یک
مشغله تفریحی و حتی سرگرمی لذت بخش تبدیل خواهد شد، به جای آنکه
فراگیری یک وظیفه خسته کننده و ملال آور شود.

همانگونه که اشاره شد هدف اصلی از این تفحص و ریشه یابی، آسان
سازی راه فراگیری لغات از طریق ارتباط ریشه ای و آشنایی با
لغات انشعابی دیگر است که بدین ترتیب منطق فراگیری را تسهیل می
سازد. به عنوان مثال لغت فارسی شترنج یا شترنگ را، که برای همگان
واژه ای آشنا است ذکر می کنیم که چگونه می توان از راه پیگیری
ریشه و انشعابات این لغت به معنی و مفهوم بسیاری لغات دیگر در

زبان فارسی و نیز به مفهوم بسیاری از لغات زبانهای اروپائی و اصطلاحات علمی پی برد.

لغت شترنج و شترنجی در فارسی به زمینه و اشکال چهار گوش و چهار خانه یا به بازی بر روی تخته ای با زمینه چهارخانه چهار خانه، گفته می شود. لغت شترنج از دو قسمت تشکیل شده است: از شتر یا چتر به معنای چهار و از انگ به معنای گوشه.

از هر کدام از این دو قسمت می توانیم به لغات بسیاری راه پیدا کنیم:

از قسمت اول چتر، در فارسی چهار، در زبان پهلوی چهار، اوستا چتورا *tchatura*، روسی چتر *tcheter*، هندوآریائی کتور *ketuer*، لاتین کواتور *quattuor*، ایتالیائی کواترو *quattro*، فرانسوی کتر *quatre*،

و از این راه فهم بسیاری لغات دیگر آسان می شود مانند: لاتین کوادرات *quadratum* به معنای چهار گوش، لاتین کوادرانگل *quadrangulus* (چهار گوش)، فارسی قدیم *tchetwert* چتورت به معنای یک چهارم و روسی چتور *tchetwert* (یک چهارم لیتر)، انگلیسی کوادراتیک *quadratic*، فرانسه کاره، کارو *carré*، (چهار لو، چهار گوش)، انگلیسی کوارتت *quartette* (چهار نفری)، لاتین کارانتینه *quarantina* (قرنطینه، توقف چهل روزه)، فارسی چهار پا، پهلوی چهارپاد و فرانسه کادروپد *quadrupède* (چهار پا)، فرانسه کادر *cadre* (چارچوب)، فرانسه اسکادرون *escadron* (در چهارچوب یک گروه)، لاتین کاروس *carrus*، انگلیسی کرت *cart* (چهار چرخه)، انگلیسی کار *car* (اتومبیل)، کارناوال *carnaval* (در اصل کشتی بر روی چهار چرخه)، فرانسه کاروسری *carrosserie* (اتاق اتومبیل)، شارژ *charge* (بار ماشین کردن)، کاریکاتور *caricature* (زیادی بار کردن)، کورس *cours* (سواری، راه سواری)، ککور *concours* (باهم مسابقه گذاشتن، مسابقه سواری) و همچنین بسیاری لغات علمی و مصطلح دیگر که در زبان های هندوآریائی رایج است.

به همین روش از قسمت دوم لغت شترنج یا شترنگ-آنگ-میتوان به معانی لغات بسیاری دیگر پی برد:

پهلوی انگل *angal* به معنای قلاب، گوشه، شترنگ به معنای چهار گوش، لاتین آنگول *angulus* به معنای قلاب، گوشه، زاویه، انگلیسی آجل *angle* تلفظ می شود.

فرانسه تری آنگل *triangle* به معنای سه گوش، کادرانگل *quadrangle* به معنای چهار گوش،

پیشوند آنگول، آنگلو *angul*، *anglo* به معنای انگلیسی (ملتی که در اصل از گوشه و زاویه ساحلی دریای شمال به انگلستان کوچ کردند)، انگلند *England* (سرزمین آنگولها، سرزمین انگلیسیها)، آنگلوفیل *anglophile* (دوستدار انگلیسیها)، آنگلوفوبی *anglophobie* (ترس از انگلیسیها)، آنگلو ساکسون *anglo-saxon* (قومی دیگر از آنگل ها).

دراوستا آنگ *ang*، دریونانی آنگوس *angos* به معنای گوشه، پهلوی آنگل *angal* به معنای قلاب، یونانی اکوس *agkos*، لاتین آنگول *angulus*.

یونانی اگکورا *agkura* فرانسه آنکر *ancre*، لاتین آنکورا *ancora*، انگلیسی آنکر *anchor* به معنای لنگر (قلاب).

یونانی آنگوس *angos*، لاتین آنگیو *angio* به معنای رگ، عروق، آنژیوگرافی *angiographie* (عکسبرداری از رگها)، آنژیولوژی *angiologie* (تخصص

جالب توجه است با اینکه بسیاری از لغات تغییرات بسیار زیادی را متحمل شده و شکل امروزی آنها با شکل اولیه شباهتی نشان نمی دهد، اما لغاتی نیز وجود دارند که کمتر متحمل تغییرات و دست خوردگی شده و شکل امروزی آنها در کلیه کشورهای خانواده هند و آریایی با شکل هزاران سال پیش تفاوت زیادی پیدا نکرده مثلا:

در زبان فارسی کلمه مادر در زبان پهلوی بصورت: مائر *matar*، اوستا: مائر *matar*، بوده است، لاتین: مائر *mater*، اسلاوی: مائر *mater*، یونانی: متر *meter*، انگلیسی: mother، آلمانی: موتر *Mutter*، هلندی: مودر *moeder*، سوئدی: مودر *moder*، اسپانیایی: مادره *madre*، ایتالیایی: مادره *madre*، و فرانسه: mère

با لغت نو (بمعنای نو، تازه) در اوستا: نو *nava* و در هندوآریایی: نو *neu* بوده است، یونانی: نو *neo*، لاتین: نووم *novum*، و امروز در زبان فرانسه: نو *nouveau* تلفظ می شود، در انگلیسی: نیو *new*، آلمانی: نوی *neu*، سوئدی: نو *ny*، اسپانیایی: نووو *nuevo*، ایتالیایی: نووو *nuovo*، روسی: نوو *novy*، اسلاوی: نو *nov*، صربی: نو *nov*، بلغاری: نو *nov*، لیتوانی: نووا *nava*، لهستانی: نوو *nowy*، چک: نوو *nowy*

همچنین لغاتی را می بینیم که در زبانهای اروپایی امروز در مقایسه با زبانهای ایران باستان بدون تغییر مانده ولی در زبان فارسی امروز دیگر مصطلح نیستند و فقط در زبانهای کشورهای دیگر به آنها برخورد می کنیم: مثل لغت پهلوی اشنور *shnor* بمعنای رشته و نخ، آلمانی: اشنور *Schnur*، اسلاوی: اشنور *shnur*، لهستانی: اشنور *shnur*، هلندی: اسنور *snoer*، سوئدی: اسنور *snöre*، نروژی: اسنور *snor*، و در فرانسه: نورا *nuora* که از آن کلمه نرف *nerf*، نرو *nerv*، و نورو *neuron* گرفته شده است به معنای عصب (رشته عصبی).

یا لغت اوستایی فرشه *fresha* بمعنای تازه که امروز این لغت به این معنادر فارسی دیگر مستعمل نیست ولی در زبان انگلیسی فرش *fresh* هنوز بمعنای تازه وجود دارد، آلمانی: فریش: *frisch* فرانسه: فره *frais*، اسپانیایی: فرسکو *fresco*، ایتالیایی: فرسکو *fresco*، لاتین: *frigidus*

بستگی و خویشاوندی بسیاری از لغات و رابطه آنها با یکدیگر به علت تغییرات زیادی که در ظاهر و شکل آنها ایجاد شده است در نظر اول نا آشکارا است و رابطه آنها تنها پس از پیدا کردن زنجیره روابط میانه آشکار می شود. مثلاً رابطه لغت فارسی چهار و انگلیسی فور *four* (چهار) تنها بعد از مشاهده رابطه تدریجی میانی روشن می شود: فارسی چهار، پهلوی چهار، اوستا چتورا *chatura*، هندوآریایی کتور *ketuer*، لاتین کواتور *quattuor*، گوتیک فیودور *fiodwor*، انگلیسی قدیم فیوور *fewer*، انگلیسی جدید فور *four*.

با مشاهده یک مثال بهتر می توان تغییر و تبدیل، مسافرت لغات از مرزها، پیری و جوانی آنها، بریده شدن، ناقص و معیوب شدن آنها را ملاحظه کرد. در طول سالیان دراز، عمر لغات کوتاه می شود، پیر می شوند، ناقص می شوند، از بین می روند، معنای خود را عوض می کنند یا به صورت یک لغت تازه دیگر به ظهور میرسند. حتی در طول یک نسل شکل و معانی لغات عوض می شود و لغاتی که برای پدران مفهومی داشته اند چه بسا برای فرزندان، بیگانه و نامفهوم جلوه کنند و به اصطلاح از دور خارج شده به نظر می رسند. یا بر عکس واژه های نسل جوان، برای پدران دیگر قابل درک نیستند، یا مفهوم دیگری

دارند. هر نسل و هر ملتی، و هر نسل در هر ملتی، مطابق سلیقه و طرز تفکر خود در لغات، تغییراتی می دهد و سرانجام گاه از لغت اولیه جز چند قطعه ناقص چیزی بر جای نمی ماند.

اسم خاص اصولاً باید کمتر تغییر شکل دهد، اسم باید اسم بماند و یک شخص درهمه جا به یک نام خوانده شود اما با مشاهده مثال زیر می بینیم که حتی اسم خاص مورد تغییرات مکانی و زمانی و نیز سلیقه ای قرار میگیرد.

اسم عربی یحیی از عبری یوحنا با لغت انگلیسی جک Jack در ابتدا هیچ شباهتی نشان نمی دهد، اما با مشاهده زنجیره ارتباط میانه، خویشاوندی و رابطه آن دو روشن می شود. عربی یحیی از عبری یوحنا Yohann، یونانی ولاتین یوهانس Iohannes، آلمانی یوهن Johann، اسپانیایی خوان Juan، فرانسه ژان Jean، انگلیسی جون John و جونی Jonny، یا بطور عامیانه جک Jack که شکل انگلیسی آن است و مسمائی است برای افراد مختلف، لطیفه های بسیار، مشاغل و ابزار وادوات فراوان دیگر.

نیز شکل هلندی آن یانک Janek که ابتدا به مهاجرین هلندی آمریکا گفته می شده (زیرا در میان آنان این اسم فراوان بوده است)، سپس لغت یانکی مسمائی شده است که ساکنین شمال آمریکا را بدان می خوانند.

همچنین شکل اسپانیایی آن خوان Juan که از آن اسامی و مسمای دون ژوان و دون ژوانیسیم و شبیه آن گرفته می شود. هنگامی که اسامی خاص، چنین تغییراتی را تحمل کنند، بی تردید لغات دیگر متحمل تغییرات بیشتری خواهند شد و نیز تغییرات معنایی افزون تر خواهند داشت.

این تغییرات گاه به علت تغییرات فکری و تحولات سلیقه ای یک نسل بانسل دیگر است، و گاه به دلیل تغییرات در فکر اقوام مختلف. گاهی نیز این تغییرات و تحولات در اثر گذشتن یک واژه از مرز یک یا چند کشور صورت می پذیرد و یا به دلیل تحمل تغییر تلفظ و یا اشکال نوشتاری.

مثلاً انگلیسیها «ژ» را «ج» تلفظ می کنند، آلمانیها «ژ» را به «گ» تبدیل می کنند، در زبان اسپانیایی «ژ» به «خ» بدل می شود، در عربی «گ» «ق» تلفظ می شود، اروپاییان قادر به تلفظ «ق» نیستند و اعراب «ژ» را تلفظ نمی کنند. فرانسویان حرف «ح» را در ابتدای کلمات به تلفظ نمی آورند. روسها «ح» ندارند و آنرا به «گ» مبدل می سازند. در زبان اوستا حرف «ل» توسط حروف دیگری مثل «س» یا «ر» جانشین می شده است، چینی ها بجای «ر» حرف «ل» تلفظ می کنند و همینطور هر ملتی بنا به سلیقه و توانایی یا ناتوانایی خود لغات را تغییر میدهد و چه بسا در آخر، از شکل لغت اولیه جز یک باقیمانده ناشناس، چیزی بر جای نمی ماند.

در این واژه گردی که در پیش روی شما است سعی شده است تا با رعایت و روشن کردن این مطالب و آسان ساختن و پیگیری حلقه ارتباطی، کار فرا گیری لغات زبان های خارجی و اصطلاحات علمی هموار و آسان گردد. البته این کار با این حجم و وسعت نمی تواند

خالی از نقص و نا رسائی باشد. که امیدوارم در چاپ های بعدی حتی المقدور، عیبها و نا رسائی ها برطرف و یا کمتر باشند. در اینجا مناسب است از همکاری و کمک افرادی تشکر کنم که بی تردید بدون کمک آنها، اتمام این کار شروع شده، ناممکن می نمود. در وهله نخست از همسرم بریژیت سپاس گذارم که با صبر و حوصله در تمام این مدت زحمات زیادی را متحمل شد و در فراهم آوردن وسائل و مراجع کمک شایانی کرد. و نیز از دوستانی سپاسگزاری می کنم که مشوق من در این کار بودند.

روش استفاده از این کتاب: چون در اینجا لغات اروپائی مصطلح در زبان فارسی و شکل اصلی آنها در کشور مبدأ مورد بحث و بررسی ما هستند بنابراین لغات به ترتیب الفبای لاتین تنظیم و مرتب شده اند، اما برای تسهیل در پیدا کردن شکل فارسی آنها در کتابچه ای جداگانه فهرست لغات به ترتیب الفبای فارسی با شماره لغت و شماره صفحه نوشته شده اند که پیدا کردن شرح مفصل آنها در صفحه معین آسان می کند. در ابتدا معنی مصطلح هر لغت در کشور مبدأ و در کشورهای دیگر و همچنین در ایران نگاشته شده است که معانی لغات گاهی در کشور مبدأ نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است. در جلوی بسیاری از لغات در پرانتز معنای تحت اللفظی و تجزیه شده لغت آورده شده که با معنای مصطلح، کاملاً متفاوت است. این کار به منظور آسان شدن درک اصل لغت و برقراری ارتباط معنایی صورت گرفته است. پس از آن هر لغت ترکیبی، به اجزاء آن تجزیه شده و هر کدام از اجزاء، جداگانه با اصل و منشأ و ریشه و معنی و معنی مبدأ نوشته شده است. در تجزیه و تحلیل اجزاء لغات نیز سعی بر آن بوده است که حتی الامکان حلقه ارتباطی روشن شود. در صورتی که این توضیح، ناکافی یا نا مفهوم بنماید، خواننده می تواند تحت شماره و شرح لغت به شرح کامل آن مراجعه کند.

سپس لغات خویشاوند هر جزء از لغت شرح داده شده اند. البته هر لغت، لغات خویشاوند بیشتری دارد که ذکر همه آنها ناممکن می نمود ولی لغات خویشاوند متداول حتی المقدور ذکر شده اند. در تشریح لغات، کوشش شده است تا رابطه هر لغت با لغات فارسی امروز روشن شود که برای این کار اکثراً یک گردش طولانی در زبانهای جدید و قدیم دیگر لازم بود. تا ریشه زبان های اروپائی قدیم و فارسی قدیم و پهلوی و اوستا و هندوآریائی.

در صورتی که طرز نوشتن، تلفظ، پیدا کردن لغات یا حتی فهم مطالب در یکی از دو زبان فارسی یا انگلیسی مشکل باشد می توان از این یکی یا از دیگری کمک گرفت. در جلوی برخی لغات روسی (S.S) آمده، در اینصورت حرف S در کلمات مربوطه «ز» خوانده می شود.

دکتر حسین ناصر اسلامی

هامبورگ بهمن 1385، فوریه 2007.